



3 جولای 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

محمد داؤد خان - یکی از بنیان گذاران "جنبش عدم انسلاک"

(این نوشته در سه قسمت تقدیم علاقمندان میگردد: قسمت اول - تطور روابط خارجی افغانستان، قسمت دوم: نگاهی عمومی به "جنبش عدم انسلاک"، قسمت سوم - افغانستان و جنبش عدم انسلاک)

(بخش دوم - قسمت سوم)

افغانستان و "جنبش عدم انسلاک"

کنفرانس "لوساکا" - زمبیا (از 8 تا 10 سپتمبر 1970):

چهارمین کنفرانس سران کشورهای عضو جنبش عدم انسلاک بعد از گذشت 7 سال با اشتراک نمایندگان 54 عضو دائمی و 11 عضو ناظر در شهر "لوساکا" در کشور زمبیا از تاریخ 8 الی 10 سپتمبر 1970 دائر گردید. در این کنفرانس تصمیم گرفته شد تا:

- جلسات سران جنبش عدم انسلاک در هر سه سال بطور منظم دائر گردد،
- جنبش باید یک سخنگو رسمی داشته باشد که رئیس جمهور زمبیا "کینت کاوندا" به حیث اولین سخنگوی آن انتخاب شد،
- ریاست دوره ای جنبش را برای هر سه سال نماینده کشوری داشته باشد که همان دوره اجلاس را در کشور خود میزبانی میکند،
- تشکیل یک کمیته دائمی اجرائیه که امور تدویر کنفرانسهای مقدماتی و نیز کنفرانس های سران را تنظیم و ترتیب نماید.

کنفرانس مقدماتی برای تهیه اجندای اجلاس لوساکا از 8 تا 12 جولای 1969 در بلگراد برگزار شد که در این کنفرانس مقدماتی داکتر عبدالغفور روان فرهادی معین وزارت خارجه به حیث نماینده افغانستان اشتراک کرد و اما در کنفرانس سران جنبش در لوساکا هئیت افغانی را نوراحمد اعتمادی صدراعظم وقت ریاست میکرد. موصوف طی بیانیه خود بر علاوه تائید موقف همیشگی افغانستان در روابط خارجی و حمایت کامل از فیصله های جنبش عدم انسلاک، برنقاط ذیل تأکید کرد:

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بڼي پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

- پالیسی خارجی افغانستان نه تنها بر مبنای دوری از پیوستن به بلاک های نظامی استوار است، بلکه برابری حقوق، انکشاف ارزش های بشری، صلح جهانی و همکاری و تلاش ممتد در این راه نیز از جمله پایه های اساسی سیاست خارجی ما محسوب میگردد،

- کشورهای عضو جنبش عدم انسلاک باید بکوشند تا نقش خود را برطبق اوضاع جاری بار دیگر مورد ارزیابی قرار دهند و بر موازات کنفرانس های بلگراد و قاهره حرکت نمایند،

- سیاست تبعیض نژادی کشورهای افریقائی را دچار مشکلات زیاد ساخته است و جلوگیری از آن را میتوان در رعایت حقوق بشری دانست. افغانستان از مردمی که برای احقاق حق خود مبارزه میکنند، حمایت خود را اعلام میدارد که البته مبارزه مردم فلسطین نیز شامل این حمایت است و اسرائیل باید قوای خود را از مناطق اشغالی خارج کند،

- باید در تطبیق تصامیم ملل متحد و شورای امنیت سعی و تلاش جدی صورت گیرد،

- ثبات سیاسی جهان و صلح تاحد زیاد مربوط به اوضاع اقتصادی کشورهای روبه انکشاف است، باید بین 77 کشور روبه انکشاف همکاریها بیشتر گردد تا نقش آنها در اقتصاد جهانی افزایش یابد و رسیدن به این هدف ایجاب میکند تا بین کشورهای پیشرفته و رو به انکشاف همکاری های تخنیکی و اقتصادی بیشتر تقویه گردد.

در اخیر رئیس هیئت افغانی نوراحمد اعتمادی از تعهد جدی افغانستان در تعقیب فیصله های جنبش اطمینان داد.

کنفرانس "الجزایر" (از 5 تا 9 سپتمبر 1973) :

در این کنفرانس که به تعقیب کنفرانس چهارم منعقد قاهره دائر گردید و در آن بر علاوه 75 عضو دائمی، 16 سازمان آزادی بخش و 4 موسسه بین المللی به حیث ناظر اشتراک داشتند، یک قدم مهم برداشته شد که در قبال آن عدم انسلاک به حیث یک موسسه رسمی دارای تشکیل منظم و دائمی تبارز نمود، طوریکه تعداد اعضای آن سریعاً در حال افزایش بود و برطبق فیصله کنفرانس قاهره تصمیم گرفته شد که از آن به بعد کنفرانس سران کشورهای عضو در هر سه سال بطور منظم دائر گردد.

کنفرانس الجزایر بتاريخ 5 تا 9 سپتمبر 1973 موقعی برگزار شد که از کودتای 26 سرطان 1352 (17 جولای 1973) در افغانستان تحت زعامت محمد داؤد خان تقریباً شش هفته گذشته بود و در اثر آن نظام سلطنتی سقوط و بجایش نظام جمهوری اعلام گردید. این تحول بزرگ در افغانستان که به کودتای "سفید" شهرت یافت، بزودی از طرف کشورهای جهان به رسمیت شناخته شد و در داخل کشور نیز بدون کدام مقاومت، نظم و امنیت بطور کامل کما فی السابغ برقرار ماند و حتی مردم در همه جا از آن استقبال کردند. اما تشویش مردم و شاید بعضی از کشورها در نقش کسانی بوده باشد که در راه به ثمر رساندن کودتا سهم داشتند و یک عده زیاد آنها وابسته به جناح های چپ و یا متمایل به آن بودند. اما جمهوریت در رابطه با سیاست خارجی دولت فوراً همان تعهدات قبلی را تأیید و عین پالیسی را ارائه کرد که رژیم قبلی به آن منهدم بود و اعلام داشت که با تمام کشورهای دوست و همچنان کشورهای جهان سوم روابط سیاسی، اقتصادی و کلتوری خود را حفظ و تقویه میدارد.

محمد داؤد خان در اولین بیانیه خود پس از موفقیت کودتا گفت: «سیاست خارجی افغانستان به اساس بیطرفی، عدم انسلاک در پیمان های نظامی و قضاوت آزاد خود مردم افغانستان، استوار خواهد بود... هیچ کشوری جزء در پرتو صلح گیتی نمیتواند به آرزوهای ملی خود موفق بدر آید. چون ما بیشتر از هرکس خود را نیازمند سعی در راه انکشاف

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزی بڼې پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

مملکت خود میدانیم، بیشتر از هرکس خواهان صلح و سلم جهان میباشیم. از این رو پایه نخستین سیاست افغانستان صلح خواهی و دوستی با همه مردم و ملل جهان است. در این آرزومندی هیچگونه تبعیض در مورد هیچ کشور یا مردم چه خورد و چه بزرگ، چه دور و چه نزدیک در نزد ما وجود ندارد. این از تمنیات مردم افغانستان سرچشمه میگردد. عنصری که سیاست بیطرفانه عنعنوی افغانستان را امتیاز می بخشد، صراحت و صمیمیت آشکار آن است که از استقلال و اراده ملی افغانستان نمایندگی میکند و با این اساس روابط مؤدت افغانستان با دول متحابه پایه تزلزل ناپذیر خود را استوار نگهداشته و در توسعه و تشنید مزید آن از طرق دیپلماسی، تماس های شخصی، ایجاد و جلب همکاری بین المللی سعی بعمل خواهد آمد و آرزوی ما اینست که از آن نتایج مثبت و عملی گرفته شود. این نظام منشور ملل متحد را که اهداف آن سعادت و آرامش دنیای بشری است، ملحوظ و محترم می شمارد.» (برگرفته از متن دست نویس بیانیه)

در اجلاس الجزایر محمد داؤد خان نسبت تحول در نظام کشور اشتراک نکرد و اما ریاست هیئت افغانی را بدوش دیلمات مجرب افغان عبدالرحمن پژواک گذاشت. موصوف در بیانیه خود به ادامه سیاست بیطرفی مثبت و فعال افغانستان پس از تغییر نظام اشاره کرد و گفت که افغانستان بر تعهدات قبلی خود پایبند و در تطبیق آن جدی میباشد. او در بیانیه خود بیشتر بر سراختلاف افغانستان و پاکستان تأکید کرد و گفت که پاکستان یگانه کشوری است که افغانستان در مسأله پشتونستان موفق به حل اختلاف با آن نشده است، مخصوصاً در این اواخر حکومت پاکستان یک تعداد سران پشتون و بلوچ را زندانی کرده است. پژواک علاوه کرد که: مردم افغانستان با برادران پشتونستانی خود روابط قوی قومی، تاریخی و کلتوری دارد، لذا ما در این مورد بی تفاوت مانده نمیتوانیم. همچنان او اشاره به حالات وخیم شرق میانه کرد و از کشورهای بزرگ خواست در شورای امنیت به نفع اسرائیل از حق ویتوی خود استفاده نکنند.

کنفرانس "کولمبو" (از 16 تا 19 اگست 1976) :

به تأسی از تصمیم کنفرانس لوساکا که اجلاس سران کشورهای عضو جنبش باید بطور منظم در هر سه سال دائر گردد، ششمین کنفرانس سران در ماه اگست 1976 پس از سه سال با اشتراک 84 کشور بر طبق اجندای معینه در کولمبو دائر شد. در این کنفرانس ریاست هیئت افغانی را رئیس جمهور محمد داؤد خان بعهده داشت. او حین توقف کوتاه در دهلی به جواب یک سؤال گفت: «جنبش عدم انسلاک آنوقت مفهوم واقعی پیدا میکند که به اصول آن وفاداری صورت گیرد و تصامیم آن عمل شوند و افغانستان همیشه به این اصول جداً وفادار مانده است.»

رئیس هیئت افغانی در بیانیه مبسوط خود در کنفرانس بیکی از مهمترین موضوع در ارتباط کشورهای محاط به خشکه تماس گرفت و گفت: کشورهای محاط به خشکه مثل افغانستان با مشکلات زیاد روبرو استند که جنبش عدم انسلاک باید برای حل این مشکل توجه جدی معطوف دارد. او علاوه کرد که: «از کنفرانس میخوایم یک موضوع مهم را که برای کشورهای محاط به خشکه اهمیت حیاتی دارد و این کشورها یا به اساس جبر طبیعی و یا در نتیجه استعمار از داشتن راه بحری محروم شده اند، باید جداً مورد توجه قرار دهد، زیرا استعمار نه تنها از طریق قدرت خود آنها را ضعیف ساخته است، بلکه بعد از رهائی از سلطه استعمار، این کشورها را به وضعی گرفتار کرده که انکشاف آنها را سد راه میگردد و گاهی هم آنها را به محاصره می کشاند.»

محمد داؤد خان از کشورهای دارای راه بحری تقاضا کرد که خود را متعهد به فیصله های کنفرانس عدم انسلاک و سایر موسسات بین المللی بدانند و تأکید کرد که کنفرانس سران این جنبش باید به دفاع از این موضوع برخیزند و در

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

اسامیله عمومی ملل متحد آنرا با جدیت مطرح سازند. این اولین بار است در همچو یک اجلاس بزرگ و مهم رئیس جمهور افغانستان این موضوع مهم و حیاتی را مطرح بحث می سازد و از کشورها عضو میخوهد تا در زمینه اقدام لازم نمایند. رئیس جمهور کشور طی بیانیه خود به موضوعات آتی نیز تماس گرفت:

– اعضای جنبش عدم انسلاک مسئولیت دارند تا به آنچه در کنفرانس بلگراد اساس گذاشته شد، پایند باشند،
– استعمار تا هنوز بصورت کامل از بین نرفته و استعمار نوین میکوشد تا از طریق فشارهای اقتصادی مرامهای خود را برآورده سازد که اینکار به صلح و امنیت جهان صدمه میرساند،

– دیتانت یک شیوه خوب است، اما نمیتوان از این حقیقت چشم پوشی کرد: دیتانتی که به زندگی مشترک توجه دارد، با دیتانتی که ترس ایجاد میکند، از هم بسیار فرق دارد. لذا باید به آن دیتانتی توجه کرد که صلح و امنیت را بار می آورد،

– تفاهم و مصالحه یک اصل قابل قبول برای همه است. کسانی که از طریق تجاوز و اشغال یک کشور و یا تبعیض نژادی، صیهونیزم، فاشیزم و یا هر پالیسی دیگر که با حقوق فردی ملت ها در تضاد و مغایرت است، بخصوص در برابر جهان سوم، باید بدانند که با اینکارها صلح و امنیت جهانی را به خطر می اندازند؛ آنها نباید به هر مسأله رنگ سیاسی دهند.

کنفرانس "هاوانا" (از 3 تا 9 سپتمبر 1979) :

برطبق فیصله قبلی که کنفرانس سران کشورهای عضو باید در فاصله هرسه سال دائر گردد، به تاسی از آن ششمین کنفرانس سران بتاريخ 3 تا 9 سپتمبر 1979 در هاوانا - کیوبا برگزار شد، اما قبل از آن در نظر بود تا معاونین وزارت خارجه اعضای جنبش جهت غور اجندای کنفرانس سران در ماه جون 1978 در کابل گردهم آیند. کودتای 7 ثور 1357 (اپریل 1978) تحول بزرگ سیاسی را در افغانستان به وجود آورد که در اثر آن جمهوری محمد داؤد خان سقوط کرد و با شهادت او و خانواده اش، سریر قدرت در دست "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" (متشکل از جناح خلق و پرچم) افتاد.

تاجائیکه معلوم است، مقامات رژیم جمهوری محمد داؤد خان تصمیم داشتند تا در کنفرانس مقدماتی جنبش در کابل موقف کیوبا رابه حیث یک کشور غیرمنسلک مطرح بحث سازند که البته این موضوع نزد بسیاری کشورهای عضو نیز مورد مناقشه بود، اما کودتا 7 ثور صحنه را تغییر داد و کنفرانس مقدماتی نیز در کابل دائر نگردید. بعضی ها به این نظراند که احتمالاً تسریع وقت کودتا به دستور سفارت شوروی در ماه ثور به همین موضوع ربط میگردد که از تدویر همچو کنفرانس جلوگیری بعمل آید.

البته رویداد های مهمی که بعد از کودتای 7 ثور در کشور بوقوع پیوست، از موضوع بحث این مقاله بدور است، ولی در رابطه با سیاست خارجی رژیم آنچه مبرهن و آشکار است همانا وابستگی ایدئولوژیک حزب دیموکراتیک خلق با اتحاد شوروی میباشد که از همان روز های اول برای همه مثل آفتاب روشن بود و با گذشت هر روز عیانتر گردید.

پس از حادثه قیام بزرگ 24 حوت 1357 (مارچ 15 1979) هرات و سائر قیام ها در سرتاسر کشور، وضع رژیم ح.د.ا.خ در حال احتضار در آمد و خطر سقوط آن وجود داشت. این وضع رژیم را هم در داخل و هم در خارج با

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

مشکلات زیاد مواجه ساخت و رژیم از شوروی خواهان اعزام نیرو نظامی گردید. شوروی نورمحمد تره کی رئیس شورای انقلابی را به مسکو احضار کرد و برایش وعده کمک نظامی داد، اما در این موقع مناسبات در داخل رژیم بین تره کی و حامیانش از یکطرف و حفیظ الله امین با حامیانش از طرف دیگر سخت برهم خورد. (برای مزید معلومات دیده شود: کاظم، سیدعبدالله: هرات از قیام حوت تا امروز، چاپ کالیفورنیا، اکتوبر 2011، از صفحه 205 تا 236)

هنگامیکه تره کی به حیث رئیس هیئت افغانی جهت شمول در ششمین کنفرانس سران کشورهای غیرمنسلک در اوائل سپتمبر 1979 عازم هاوانا می شد، روابط بین او و امین به اوج تیره گی رسیده بود که موجب نگرانی جدی مقامات شوروی گردیده بود. امین موفق شد تا چند نفر از حامیان خود را بشمول داکتر شاه ولی وزیر خارجه با او همراه سازد و نیز قبلاً نظیف الله نهضت (مشهور به قصاب قیام هرات) - یکی از سرسپردگان خود را به حیث سفیر رژیم در هاوانا مقرر کرده بود تا گفتار و کردار و تماسهای تره کی را زیر نظر داشته باشند. در طی جلسات کنفرانس اولین برخورد تره کی با زعمای ایران و پاکستان بود، زیرا آن دو کشور که قبلاً عضویت پیمان نظامی امریکا را داشتند، به تازه گی از عضویت آن خارج گردیده و به عضویت جنبش عدم انسلاک پذیرفته شده بودند. مناسبات بین رژیم کابل با دو کشور مذکور رو به خرابی بود، رژیم کابل هردو کشور را متهم به مداخله در امور داخلی افغانستان و کمک به عناصر ضد رژیم میکرد و این اختلاف در کنفرانس هاوانا بین آنها بسیار علنی و محسوس بود. درعین زمان در بیانیه تره کی مطالبی گنجانیده شده بود که واضحاً حمایت رژیم کابل را از خواسته های مسکو بیان میکرد.

محمد امین واکمن بیانیه تره کی را در کنفرانس مذکور چنین ارزیابی میکند و می نویسد: «این بیانیه سرپیچی آشکار از پالیسی های گذشته جنبش عدم انسلاک بود. دیپلماسی افغانستان در ششمین کنفرانس سران در هاوانا بیشتر به منفعت بلاک شوروی خدمت کرد، تا آنکه به افغانستان خدمت کند. از آنجائیکه نمایندگان افغانی در مسائل مهم جهان کدام نظر مستقل نداشتند، آنها متواتر موقف اتحاد شوروی و سائر کشورهای اروپای شرقی را در کنفرانس تکرار میکردند. به این اساس چهره ای قبلی افغانستان که به حیث یک چهره پیشتاز معرفی شده بود، بطور جدی خراب گردید.» (م. واکمن: افغانستان، ناپلئوب...، صفحه 215)

در این ارتباط قابل تذکر میدانم که مقامات شوروی به تره کی در هاوانا اطلاع دادند که در راه برگشت به کابل یکبار در مسکو توقف نماید، زیرا برژنیف میخواهد با او بطور خصوصی ملاقات کند. داکتر شاه ولی معاون صدراعظم و وزیر خارجه که به گروپ امین تعلق داشت و شامل هیئت افغانی بود، چنین می گوید:

«پلانی وجود نداشت که تره کی بعد از بازگشت خود از هاوانا در مسکو توقف کند یا با کسی دیدار کند و وقتی که هیئت افغانی در هاوانا بود در کنفرانس سران غیرمنسلک، جانب شوروی به تره کی اطلاع دادند که لازم است با برژنیف در مسکو ملاقات کند. تره کی بعد از آن به من [داکتر شاه ولی] گفت ما در مسکو توقف داریم و مستقیماً به کابل نمیرویم. آنجا ملاقات با برژنیف است. تره کی با برژنیف تنها ملاقات کرد و حتی به من هم چیزی نگفت. بعد از آن ما در تلویزیون اتحاد شوروی دیدیم گرومیو و برژنیف با تره کی در مذاکرات شرکت داشتند.» (ظاهر طنین: افغانستان در قرن بیستم، تهران، چاپ اول، 1384، صفحه 266)

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې دليکنيزې ښي پازوالي دليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

تره کی حین اقامت در مسکو در یک دیدار با تعدادی از افغانهای وابسته به حزب خلق از موجودیت یک "دانه سرطانی" در داخل رژیم یاد کرد و گفت که باید این "دانه" کشیده شود که البته مقصدش حفیظ الله امین بود. امین در کابل انتظار او را می کشید و ظاهراً از او هنگام ورود استقبال شایان کرد، ولی در خفا نقشه قتل تره کی را در سر داشت. بروز 14 سپتمبر هنگامیکه امین به توصیه سفیر شوروی برای دیدار با تره کی به ارگ آمد، با برخورد غیر مترقب مسلحانه مواجه شد و از آن جان به سلامت برد. روز 15 سپتمبر امین خود را به حیث منشی عمومی حزب، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم اعلان نمود و تره کی را در حرمسرای ارگ زندانی کرد تا آنکه بروز 8 اکتوبر بدستور "شاگرد وفادار!" بالشت به روی "نابغه شرق و استاد توانا!" گذاشته شد و امین او را به دیار رفتگان فرستاد. جریان حکومت صد روزه امین با تهاجم قوای شوروی بتاريخ 26 دسمبر 1979 و رویکار آوردن ببرک کارمل، صحنه دیگر این نمایشنامه است، که فرصت بیان در اینجا نیست.

به این اساس دیده میشود راهی را که محمد داؤد خان با پیوستن به جنبش عدم انسلاک در زمان صدارت و جمهوریت خود از کنفرانس "باندوگ" تا کنفرانس "کولمبو" در ساحه روابط خارجی کشور گشوده بود، تره کی و حزب منسوبه اش آنرا بطور افتضاح آمیز از مسیرش منحرف کردند و زحمات خستگی ناپذیر زعمای افغانستان را از ختم جنگ عمومی دوم تا کودتای ثور 1357 که همه بیک راه و شیوه ادامه یافته بود، بهدر دادند و افغانستان را با مصیبت بزرگ تاریخ مواجه ساختند. ببینید که فرق بین یک زعیم ملی و گماشتگان خارجی از کجا تا کجاست، ولی متأسفانه امروز با این اصطلاح که "خدمت برباد و گناه لازم"، معیار قضاوت بدست کسانی افتاده که به نحوی از تعمق به قضایا طفره میروند و احساسات شخصی را جانشین بصیرت و واقع بینی میکنند.

امیدوارم این نوشته تحلیلی تاریخی به گفته بعضی ها «گور کاوی های بی حاصل و باد کردن پخته های کهنه» تلقی نشود و نیز کسانی که این مسائل مهم را فقط با مطالعه گزارش یک مجله مورد قضاوت قرار میدهند و از نقش محمد داؤد خان به حیث یکی از بنیان گذاران جنبش عدم انسلاک کتمان میکنند، بر قضاوت خود ناشی از کمی معلومات تجدید نظر فرمایند والسلام (پایان مقاله)

(بدیوسيله ميخواهم مراتب تبریکات خود را به جناب داکتر محمد امین واکمن نسبت کتاب مستند و مهم شان که درباره جنبش عدم انسلاک به انگلیسی نوشته و بعداً این کتاب توسط جناب سرمحقق نصرالله سوېمن منگل تحت عنوان "افغانستان، ناپیلتوب او ستر خواکونه" به پشتو ترجمه شده و در 261 صفحه در سال 1382 (2003) در پشاور چاپ گردیده است، تقدیم دارم و علاوه کنم که ایشان با استفاده از مآخذ فراوان و مراجعه با اسناد و اوراق منتشره هر کنفرانس موفق به تهیه چنین اثر تاریخی شده اند و اینجانب در تهیه این مقاله از این کتاب و مآخذ دیگر که در متن مقاله ذکر شده اند، بسیار بهره برده ام.)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ